

نقش نظام بانکی در رونق تجارت

اشاره:

برخلاف آنچه بانکداران غربی تصور می‌کردند که بانکداری بدون ربا (بانکداری اسلامی) قابل اجرا نمی‌باشد و قادر نیست منافع سپرده‌گذاران و متقاضیان منابع سرمایه‌گذاری را تأمین کند، عملکرد بانکداری اسلامی در ایران نشان می‌دهد که در قالب عقود اسلامی، نظام بانکی قادر است منابع سرمایه‌گذاری را جمع‌آوری و به طرح‌های اقتصادی سرازیر نماید.

بانکداری بدون ربا با استفاده از ابزار عقود اسلامی از جمله مضاربه، مزارعه، مساقات، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مشارکت مدنی، جعاله و... می‌تواند از یک سوء اعتماد سپرده‌گذاران را جلب نماید و آنها را در منافع حاصل از سرمایه‌گذاری و جوه در طرح‌های اقتصادی بهره‌مند سازد و از سوی دیگر نیازهای جویندگان سرمایه را تأمین کند.

بخش قابل توجهی از عقود اسلامی متوجه امور بازرگانی می‌باشد و با استفاده از آنها می‌توان به ساماندهی بازرگانی داخلی و خارجی پرداخت. در این گزارش که توسط خدیجه کریمی تهیه و تنظیم گردیده، نقش نظام بانکی در تجارت داخلی و خارجی و دورنمای آتی آن بررسی شده است.

نقش نظام بانکی در بازرگانی

بخش بازرگانی در بعد اقتصاد داخلی و خارجی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. نقش سرمایه در گردش با نقدینگی در رونق بازرگانی داخلی و خارجی پس از مرحله تولید کالاها و خدمات، در هدایت اقتصاد به مسیر رشد و شکوفایی، کلیدی می‌باشد. چه بسا فقدان توان بازرگانی، رکود بر بخش تولید و کل اقتصاد را موجب گردد.

با این وصف، تأمین نقدینگی فعالان بخش بازرگانی برای رونق کسب و کار الزامی است. در اقتصادهای درحال توسعه، همواره کمبود سرمایه، عمده‌ترین مشکل برای بخش‌های تولیدی و بازرگانی است و رفع این

(جمع‌آوری سپرده‌های پس‌اندازکنندگان و تأمین تقاضاهای سرمایه‌گذاری) کمک کرد.

با وجود آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بانکداری در ایران دولتی شد و بخش خصوصی از حوزه فعالیت‌های مربوط به بانکداری خارج گردید، اما اجرای قانون بانکداری بدون ربا با موفقیت همراه بوده است.

به‌طور کلی نظام بانکی در دنیا تحت نفوذ سیاست‌های اعمال شده از سوی بانک مرکزی فعالیت می‌کند. بانک مرکزی، مسئولیت‌گزینه‌های سیاست‌های پولی و اعمال این سیاست‌ها را دارد و نظام بانکی مکلف است مطابق دستورالعمل‌های بانک مرکزی به

معضل بزرگ می‌تواند رشد و توسعه پایدار اقتصادی را میسر سازد. در این‌گونه اقتصادها به لحاظ فقدان بازار سرمایه قوی، بانک‌ها اصلی‌ترین منبع تأمین سرمایه برای متقاضیان سرمایه‌گذاری می‌باشند.

با لغو نظام بانکداری مبتنی بر نرخ بهره (نظام بانکداری سرمایه‌داری) در ایران، این دلهره وجود داشت که بانکداری بدون ربا نتواند کارایی لازم در تجهیز منابع و سوق دادن آنها به بخش‌های موردنیاز را داشته باشد. اما عملکرد نظام بانکداری کشور در سال‌های اخیر در عمل نشان داد که بر پایه عقود اسلامی می‌توان بانک‌ها را در انجام رسالتی که به عهده دارند

عملکرد نظام بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر

در دوران بازسازی اقتصادی پس از خاتمه جنگ تحمیلی، نیاز به منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیربنایی و نیز ترمیم ویرانی‌های ناشی از جنگ، دولت بیش از پیش بانک مرکزی و نظام بانکی را در خدمت خود گرفت. در تدوین دو برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اولویت در اعطای اعتبارات به بخش‌های تولیدی و عمرانی موجب شد سقف‌های اعتباری برای بانک‌ها تعیین شود و در ضمن یک سری تبصره‌های بودجه با اعتبارات ترجیحی به برنامه‌های توسعه‌ای اختصاص یابد. در واقع دولت با این اقدام، بخشی از منابع بانک‌ها را به سمت طرح‌های بازسازی اقتصادی سوق داد.

اگر دخالت دولت در جهت‌دهی فعالیت‌های بانکی منظور نگردد و در واقع استقلال بانک مرکزی در چارچوب بانکداری بدون ربا مدنظر می‌بود، بانک در توزیع اعتبارات بین بخش‌های مختلف اقتصادی به سوی

طرح‌های سرمایه‌گذاری پربازده‌تر و کوتاه‌مدت‌تر تمایل داشت و در این شرایط، اعطای تسهیلات اعتباری به بخش‌های خدماتی از جمله بازرگانی، بیش از سایر بخش‌ها رشد پیدا می‌کرد. اما دولت با تعیین سقف اعتبارات بخش‌ها، عملاً مانع از فعالیت سودآورتر بسانک‌ها شد. در مقابل برنامه‌های توسعه‌ای را با هزینه کمتر و استفاده از منابع داخلی به اجرا درآورد. هر چند در این اقدام سپرده‌گذاران نزد بانک‌ها نیز تا حدودی متضرر شده‌اند.

از آنجا که در بانکداری بدون ربا و

خود بر فعالیت بانک‌ها در عرضه اعتبارات به متقاضیان سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد و اقتصاد را راهبری می‌کند.

در حالی که نظام بانکداری بدون ربا با حرام دانستن اخذ و پرداخت بهره، عملاً از این ابزارها استفاده نمی‌کند. اما بانک‌ها به عنوان وکلای سپرده‌گذاران وارد عقد قراردادهای اسلامی یا متقاضیان سرمایه‌گذاری می‌شوند. وجوه مردم از طریق بانک‌ها به سرمایه‌گذاران وام داده می‌شود و در مقابل مردم در سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها بر مبنای عقود اسلامی، شریک می‌شوند.

در بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی می‌تواند دارای استقلال یا فاقد آن باشد. در ایران اسلامی عملاً سیاست‌های پولی در چارچوب نظر هیأت دولت تعیین می‌شود و بانک مرکزی مسؤول اجرای

○ سیاست‌های پولی در ایران در چارچوب نظر هیأت دولت تعیین می‌شود و بانک مرکزی مسؤول اجرای آن است و با تعیین سقف اعتبارات، بانک‌ها را در پیشبرد سیاست‌های پولی اتخاذ شده راهبری می‌کند.

آن می‌باشد و با استفاده از تعیین سقف اعتبارات، بانک‌ها را در پیشبرد سیاست‌های پولی اتخاذ شده راهبری می‌کند. شاید اگر در چارچوب قانون بانکداری بدون ربا، بانک مرکزی از استقلال عمل برخوردار می‌شد، نظام بانکی کشور از عملکرد بهتری برخوردار می‌گشت و تا این حد منابع و وجوه سپرده‌گذاران در اختیار طرح‌های سرمایه‌گذاری دولتی قرار نمی‌گرفت و در این حال بخش خصوصی حیطة فعالیت گسترده‌تری می‌یافت.

خدمات رسانی بپردازد. استقلال بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی مستقل از دولت و سیاست‌های بودجه‌ای در کشورهای پیشرفته موجب شده که ابزارهای پولی در تنظیم شرایط اقتصادی کاربرد بیشتری پیدا کنند. اما در کشورهای روبه‌رشد که غالباً بانک مرکزی مستقل از دولت اتخاذ سیاست پولی و اجرای آن را به عهده ندارد، نظم بازار پول و سرمایه در عمل در اختیار دستگاه دولتی قرار می‌گیرد تا مطابق با سیاست‌های اقتصادی و وضعیت پولی و ارزی در چارچوب برنامه تنظیم و اجرای بودجه‌های سالانه، تکالیف مشخصی را بر عهده سیستم بانکی بگذارد. این‌گونه عملکرد بانک مرکزی و نظام بانکی می‌تواند سوءمدیریت منابع مالی را نیز به دنبال داشته باشد و نظام بانکی را به سمت فعالیت زیان‌ده نیز سوق دهد.

در کشورهای سرمایه‌داری، بانک مرکزی با توجه به میزان استقلال خود در تعیین و اتخاذ سیاست‌های پولی و تنظیم بازار سرمایه، از طریق ابزارهای

پولی در اقتصاد دخالت می‌کند. این ابزارهای قانونی شامل تعیین نرخ بهره، فروش طلا، تعیین ذخیره قانونی بانک‌ها، خرید و فروش ارز در بازار، نرخ تنزیل مجدد و... می‌باشد که بر حجم پول در گردش تأثیر می‌گذارد.

در این کشورها برای مقابله با فشارهای تورمی، سیاست پولی انقباضی (از طریق افزایش نرخ بهره اعتبارات و سپرده‌ها) و برای مقابله با رکود اقتصادی غالباً سیاست پولی انبساطی (کاهش نرخ‌های بهره) اتخاذ می‌گردد. بانک مرکزی با استفاده از ابزارهای در اختیار

بانک واسطه میان عقد قراردادهای تأمین مالی در چارچوب عقود اسلامی بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان سرمایه است، عملاً دخالت دولت در تعیین سقف‌های اعتباری توجیه ندارد. از آنجا که در سال‌های اخیر نیز رشد مطالبات بانک‌ها از دولت و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی بیش از بخش غیردولتی بوده است، از یک سو سپرده‌گذاران از دریافت سود مناسب با میزان تورم محروم شده‌اند و در واقع ارزش واقعی و قدرت خرید پس‌اندازهای آنها کاهش پیدا کرده است و از سوی دیگر بانک‌ها نتوانستند از معیار ارزشیابی و توجیه اقتصادی طرح‌های سرمایه‌گذاری برای گزینش طرح‌های دارای بازده بیشتر به نفع موکلانشان محروم شوند. همین امر موجب شد که در تدوین سیاست‌های اعتباری، گرایش به سمت پرداخت تسهیلات اعتباری به بخش غیردولتی در دو سال اخیر، بیشتر شود. در عمل رشد مطالبات نظام بانکی از بخش دولتی در سال‌های ۷۵ و ۷۶ کمتر از رشد مطالبات از بخش غیردولتی بوده است.

براساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رشد مطالبات سیستم بانکی از بخش دولتی از سطح ۳۴/۸ درصد در سال ۷۴ به ۱۹/۸

درصد در سال ۷۵ و سپس به ۲۲/۴ درصد در سال گذشته رسید. در همین مدت رشد مطالبات سیستم بانکی از بخش غیردولتی از ۲۲/۴ درصد در سال ۷۴ به ۳۰/۹ درصد در سال ۷۵ و سپس به ۲۳/۵ درصد در سال گذشته رسید. ذکر این نکته ضروری است که به

منظور کاهش میزان رشد نقدینگی یا پایه پولی در همین مدت، نرخ رشد کل مطالبات سیستم بانکی از ۲۹/۸ درصد در سال ۷۴ به ۲۴/۸ درصد در سال ۷۵ و سپس به ۲۲/۹ درصد در سال گذشته تخفیف یافت.

این آمارها گواه بر آن است که بیش از ۱۰۲ تریلیون ریال مطالبات بانک‌ها در سال ۷۴ در مجموع ۴۶/۹ تریلیون ریال از بخش غیردولتی و بیش از ۵۵ تریلیون ریال مربوط به بخش دولتی بوده است. به عبارت دیگر سهم بخش دولتی بیش از بخش غیردولتی در کسب اعتبارات بانکی بوده است. در سال ۷۵ از حدود ۱۲۷/۴ تریلیون ریال مطالبات بانک‌ها، ۶۱/۴ تریلیون ریال سهم بخش غیردولتی و ۶۵/۹ تریلیون ریال سهم بخش دولتی بود. در سال ۷۶ نیز از ۱۵۶/۵۶ تریلیون ریال مطالبات سیستم بانکی، حدود ۷۵/۹ تریلیون ریال سهم بخش غیردولتی و ۸۰/۸ تریلیون ریال سهم بخش دولتی بوده است. در واقع همچنان بخش دولتی سهمی بیش از ۵۰ درصد در

○ بخش بازرگانی بیش از سایر بخش‌های اقتصادی در استفاده از اعتبارات بانک‌ها با مانع روبه‌رو شده است. اگر بانک‌ها در اعطای تسهیلات اعتباری آزادی عمل داشتند، بخش بازرگانی را به سایر بخش‌های اقتصادی از لحاظ اجرای طرح‌های زودبازده و سودآور ترجیح می‌دادند.

استفاده از تسهیلات اعتباری بانک‌ها داشته است. این عملکرد سبب شده که دسترسی به اعتبارات بانک‌ها برای بخش غیردولتی دشوارتر باشد.

همچنان که اشاره شد، دولت برای سوق دادن منابع بانک‌ها به بخش‌های اقتصادی موردنظر، سهمیه‌های معینی

برای اعطای اعتبارات به بخش‌های مختلف منظور کرد. هر چند در عمل، کل اعتبارات بانک‌ها و نیز اعتبارات بخشی از سقف‌های موردنظر دولت فراتر رفت، اما بخش بازرگانی بیش از دیگر بخش‌ها از استفاده از اعتبارات بانک‌ها با مانع روبه‌رو شد. هر چند که بانک‌ها اگر آزادی عمل در اعطای تسهیلات اعتباری داشتند، مسلماً بخش بازرگانی را به لحاظ اجرای طرح‌های زودبازده‌تر و سودآوری این‌گونه طرح‌های سرمایه‌گذاری، بر سایر بخش‌های اقتصادی ترجیح می‌دادند.

آمار و اطلاعات دریافت شده از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش بازرگانی از ۱۹۷۱/۸ میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۱۰۸۳۹/۶ میلیارد ریال در سال ۷۶ رسید. به عبارت دیگر حجم اعتبارات دریافتی بخش بازرگانی از نظام بانکی در این دوره ۵/۵ برابر شده است. در حالی که مجموع مطالبات بانک‌ها از بخش‌های دولتی و غیردولتی از ۲۴۳۸۰/۹

میلیارد ریال در سال ۶۸ به ۱۵۶۵۶۱/۱ میلیارد ریال در سال ۷۶ رسید و به عبارت دیگر طی همین مدت اندکی بیش از ۶ برابر شده است.

سهم بخش بازرگانی از مجموع تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش‌های دولتی

و خصوصی در همین دوره زمانی از ۸ درصد به حدود ۷ درصد کاهش یافت. بنابراین از یک سو سهم بخش بازرگانی در مجموع اعتبارات اعطایی بانک‌ها کاهش یافته و از سوی دیگر سهم این بخش در مجموعه فعالیت‌های اقتصادی در دریافت اعتبارات بانکی همواره در

سطح نازل ۷ تا ۸ درصد قرار داشته است. با این وصف می‌توان گفت نظام بانکی در جهت رونق فعالیت‌های بازرگانی گام مؤثری برنداشته است و شاید تا حدودی این بخش را رها ساخته است. این در حالی است که اکثر بازرگانان به ویژه صادرکنندگان کالا، از کمبود سرمایه در گردش گلایه دارند و آن را مانعی در گسترش فعالیت‌های تجارت خارجی ایران می‌دانند. به خصوص آنکه بخش بازرگانی نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی از مشارکت بیشتر بخش مردمی و غیردولتی برخوردار است.

در همین حال مانده تسهیلات اعطایی به بخش صادرات از ۳۵۶/۲ میلیارد ریال در سال ۷۳ به ۱۴۰۵/۶ میلیارد ریال در سال گذشته افزایش یافت. اما سهم این اعتبارات در مجموع تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش بازرگانی با وجود چهار برابر شدن اعتبارات مذکور در سال‌های ۷۶-۱۳۷۳ کمتر از ۸ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر بانک‌ها در اعطای تسهیلات اعتباری به بخش صادرات، هیچ توفیقی

نداشته‌اند. این در حالی است که مانده کل تسهیلات اعطایی بانک توسعه صادرات در قالب عقود اسلامی نیز در سال گذشته به ۴۲۹/۸ میلیارد ریال رسیده است. به عبارت دیگر رونق‌بخشی به بازرگانی و به ویژه صادرات کالاهای غیرنفتی مستلزم ارایه تسهیلات اعتباری بیشتر به این بخش می‌باشد.

با توجه به آنکه نرخ سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها به بخش بازرگانی همواره بیش از سایر بخش‌های اقتصادی بوده است و در سال گذشته به ۲۵-۲۲ درصد رسیده است، برای گسترش فعالیت این بخش، تعیین نرخ سود با توجه به عملکرد سودآوری این بخش می‌بایست مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و چه بسا کاهش نرخ سود اعتبارات مذکور، رشد صادرات غیرنفتی و افزایش آن موجبات رفاه بیشتر برای سپرده‌گذاران در قالب عقود اسلامی (که توجه ویژه به عملکرد اقتصادی بخش دارد) را فراهم سازد.

در هر حال انتظار می‌رود که با توجه به اولویت رشد صادرات غیرنفتی در برنامه‌های اقتصادی، بخش بازرگانی

به ویژه صادرات، از سهم بالاتر در تسهیلات اعطایی بانک‌ها برخوردار شوند.

با عنایت به این امر که بخش دولتی بیش از بخش غیردولتی از اعتبارات بانک‌ها در دوران بازسازی اقتصادی برخوردار بوده است، سوق دادن منابع به متقاضیان سرمایه‌گذاری در بخش غیردولتی از اهم اقدامات آتی دولت و نظام بانکی باید تلقی شود. از سوی دیگر بخش بازرگانی برای رونق‌بخشی به تجارت خارجی می‌بایست از سهم بالاتر در تسهیلات اعطایی بانک‌ها برخوردار گردند. تسهیلات اعطایی بانک توسعه صادرات به فعالیت‌های صادرات غیرنفتی می‌بایست در حد قابل توجهی افزایش پیدا کند.

در همین حال بازبینی در نرخ سود تسهیلات اعطایی با توجه به میزان تورم و بازده طرح‌های سرمایه‌گذاری الزامی است، به گونه‌ای که تشویق سپرده‌گذاران و رشد منابع در اختیار بانک‌ها را به دنبال داشته باشد.

۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	
۱۸۳۹/۶	۸۹۳۸/۹	۶۷۳۵/۴	۶۳۹۵/۲	۵۱-۸/۹	۳۹۸۳/۹	۳۲۲۴/۳	۲۵۵۷/۹	۱۹۷۱/۸	مانده تسهیلات اعطایی به بخش بازرگانی فرض الحسنه / خدمات و متفرقه* (میلیارد ریال)
(۱۴ ۵/۶)	(۱۲۲۵/۹)	(۷۶۷/۰)	(۳۵۶/۲)						مانده تسهیلات اعطایی به بخش صادرات
۴۵۴۸/۳	۳۹۱۲/۶	۲۹۴۷/۲	۲۵۹۶/۶	۲۰۹۳/۱	۱۸۱۰/۶	۱۵۸۱/۹	۱۱۴۱/۹	۸۱۱/۰	مانده تسهیلات اعطایی در قالب مضاربه (میلیارد ریال)
									نرخ سود تسهیلات بازرگانی (درصد)
۲۲-۲۵	۲۲ ۲۵	۲۲-۲۵	۱۸-۲۴	۱۸-۲۴	۱۸ به بالا	۱۸ به بالا	۱۷-۱۹	۸-۱۲	بازرگانی
۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸ به بالا	۱۸ به بالا	۱۷-۱۹	۸-۱۲	صادرات
۴۲۹/۸	۳۹۹/۱	۱۴۹/۹	۱۶۲/۶	۸۵/۸	۱۷/۵	-	-	-	مانده کل تسهیلات اعطایی توسط بانک توسعه صادرات (در قالب عقود اسلامی) (میلیارد ریال)

* آمارهای ارایه شده از سال ۱۳۷۴ به بعد با فرمت آمارهای قبل از سال مذکور متفاوت و عمدتاً بدون احتساب سود و درآمد سال‌های آتی است.